دریچه

عضو جبهه پایداری:

باهنر مجوز سخنگویی اصولگرایان را ندارد

● **شرق:** کار در انتخابات ۹۶ برای اصولگرایان سخت‌تر از گذشته می‌شود. اگر تعدد نامزدها در انتخابات ۹۲، به تعدد سبدهای رأی آنها انجامید، سال آینده علاوه بر این تعدد احتمالی، آنها با معضلی به نام «روحانی» هم روبه‌رو هستند.

اصولگرایان نمی‌دانند باید از روحانی حمایت کنند یا نکنند. برای همین از هم‌اکنون دو دسته شده‌اند و مخالفان علیه موافقان موضع می‌گیرند. برای عده‌ای از اصولگرایان، روحانی رفیق است و برای عده‌ای رقیب. وقتی سخنگوی جامعه روحانیت مبارز از احتمال حمایت اصولگرایان از روحانی می‌گوید، دیگران و حتی خود اعضای جامعه علیه او موضع می‌گیرند و آن را نظر شخصی گوینده تفسیر می‌کنند. بعد هم می‌گویند مگر قحط‌الرجال داریم که از روحانی حمایت کنیم؟ فردی مانند «جعفر شجونی»، عضو جامعه روحانیت مبارز، گفته است: «آدم‌های ما را که موش نخورده است. آقایان حدادعادل، قالیباف و جلیلی از این افراد هستند. ما این‌همه شخصیت داریم، برای چه به سمت رقیب برویم». حجت‌الاسلام ابراهیمی، عضو دیگر این جامعه، هم با اشاره به اینکه این سخن جزء اظهارات شخصی مصباحی‌مقدم بوده و در جلسه جامعه مطرح نشده، گفته بود که احتمال یک‌دوره‌ای‌شدن روحانی بعید است اما غیرممکن نیست.

اصولگرایان حتی شرط‌وشروط‌ها را هم تاب نمی‌آورند. تا جایی که وقتی رئیس بزرگ‌ترین جبهه ائتلافی اصولگرا حمایت از روحانی را منوط به عملکرد شش‌ماه آینده او می‌کند، جایگاه او را زیر سؤال می‌برند. در تازه‌ترین اظهارنظر، زهره طبیب‌زاده نور عضو جبهه پایداری، در واکنش به اظهارات محمدرضا باهنر در نشست خبری ماهانه جامعه مهندسین پیرامون حمایت اصولگرایان از روحانی در انتخابات سال ۹۶ در قبال پذیرفتن شروطی، گفت: «باهنر نباید خود را نماینده و سخنگوی تمام احزاب اصولگرایان تلقی کند». عضو جبهه پایداری با بیان اینکه باهنر نظر شخصی‌اش را در این‌باره مطرح کرده، گفت: «وی مجوز سخنگویی مجموعه اصولگرایان را ندارد». او به باشگاه خبرنگاران جوان گفته است: «البته از آنجایی که جبهه مذکور نیز متشکل از جریان‌های مختلفی است، بعید می‌دانم همه آن جریانات با باهنر هم‌فکر باشند. قطعا سایر احزاب طیف اصولگرایی با دیدگاه باهنر در زمینه حمایت از روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ موافق نخواهند بود».

این اصولگرا برخلاف دیگر هم‌جناحی‌هایش که معتقدند نیمی از دولت روحانی اصولگرا و نیمی اصلاح‌طلب است و چهره‌های شاخصی از این جناح عضو دولتند، گفته که اکثر گروه‌های اصولگرا به طور اساسی با روحانی اختلاف‌نظر دارند: «غالب احزابی که در شورای ائتلاف اصولگرایان حضور دارند، با مبانی فکری و عملی روحانی اختلاف دارند».

«محمدرضا باهنر»، رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری، متشکل از ۱۷ حزب و تشکل اصولگرا و «غلامرضا مصباحی‌مقدم»، سخنگوی جامعه روحانیت، سنتی‌ترین و قدیمی‌ترین تشکل روحانی در جناح راست است که هردو به بحث حمایت از روحانی ورود کرده‌اند، حتی با اما و اگر. سخنگوی جامعه روحانیت گفته بود: «این را بگویم که این‌طور نیست که شرایط آقای روحانی شرایطی باشد که مورد اقبال اصولگرایان قرار نگیرد و محتمل است مجموعه اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری از ایشان حمایت کند و اگر گزینه بهتری نداشته باشیم حتما وارد گفت‌وگو با ایشان خواهیم شد». باهنر هم گفته بود که اگر روحانی بتواند ظرف این مدت در مورد موضوعات اقتصادی موفقیت‌هایی کسب کند، از او حمایت می‌کنیم. دیگرانی هم مانند «حسین سبحانی‌نیا»، فعال اصولگرا و نماینده شش دوره مجلس، اخیرا گفته‌اند قطعا یکی از گزینه‌های مطرح برای تمام جریان‌های سیاسی در انتخابات آینده، حسن روحانی است. سبحانی‌نیا گفته بود: «پایگاه اصلی حسن روحانی اصولگرایی است. روحانی عضو جامعه روحانیت مبارز بوده است و در سال‌هایی هم که نماینده مجلس بودند، به‌عنوان نامزد جامعه روحانیت در انتخابات شرکت می‌کردند اما رفتارها و حمایت‌های جریان اصلاحات از او در این سال‌ها شاید باعث شود برخی از اصولگرایان در حمایت از او دچار شک شوند درست مانند انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲».

ناصر ایمانی، تحلیلگر سیاسی اصولگرا، هم با اشاره به احتمال حمایت اصولگرایان از حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده گفته است: ممکن است که شرایط کشور در سال آینده به‌گونه‌ای باشد که اصولگرایان صلاح بدانند از روحانی حمایت کنند. اگرچه او درعین‌حال معتقد است که اصولگرایان برای انتخابات سال آینده گزینه‌های زیادی دارند و مشکلشان تعدد چهره است. مانند انتخابات ۹۲ که تعدد کاندیداها باعث تشتت شد و پادرمیانی چهره‌هایی نظیر آیت‌الله مهدوی‌کنی برای انصراف کاندیداها هم بی‌نتیجه ماند.

اصلاح‌طلبان یک عذرخواهی به تاریخ خود بدهکارند

ادامه از صفحه ۶

فکر نمی‌کنید، سرمایه اجتماعی بعد از انتخابات درونی مجلس و ماجرای فیش‌های حقوقی صدمه دیده باشد؟

بی‌تردید این‌طور است. چون به‌هرحال مردم با هوشمندی تمام از روزنه‌ای که برای آنها گشوده شد، عبور کردند. در پس آن، دروازه‌ای را روبه‌روی ما گشودند و فرش قرمزی انداختند و گفتند: عبور کنید! ما در عبورکردن کم آوردیم. خب! آیا این موضوع به باورها و احساسات مردم لطمه می‌زند؟ آیا سرمایه اجتماعی از این اتفاق لطمه می‌خورد؟ بله. بی‌تردید لطمه می‌خورد. ما باید به این حرکت توفانی مردم پاسخ مناسب می‌دادیم. مردم انتظار یک پاسخ شکوهمند را داشتند. طبیعتا ما ضعیف‌تر از آن برخورد کردیم که درخور آن حرکت شکوهمند باشیم. اما اگر به نظر من از این واقعه درس گرفته باشیم، یعنی یک محاسبه نفس کنیم؛ می‌بینید که جریان اصلاح‌طلبی یک عذرخواهی تاریخی به تاریخ اکنون خود، به مردم و به جریان اصلاح‌طلبی و به حاملان و عاملان راستین اصلاح‌طلبی، بدهکار است. باید با شهامت بگوییم که ما کجا به کج‌راهه رفتیم و تلاش کنیم این گذشته را چراغ راه آینده خود قرار دهیم. بیایید بگوییم که کجا و چگونه حرکت کنند تا بتوانند حداقل در دو انتخابات آتی دچار اشتباهات این مرحله نشوند.

این آلترناتیوها چه چیزهایی می‌توانند باشند که این آسیب‌ها را جبران کنند. یعنی از یک طرف بتواند آسیب بدنه اجتماعی را جبران کند و از طرف دیگر بتواند خودش را سروسامان دهد. چقدر نقشه و برنامه در این‌باره اندیشیده شده که بتوانند در میان آنها دست به انتخاب بزنند؟ اصلا در مورد آن بحث شده است؟

نه‌اینکه هنوز بحث نشده ولی، هنوز به سرانجامی نرسیده است. گزینه‌های مختلفی سر راه ماست. آیا ما می‌خواهیم این اجماع را تا آستانه انتخابات بعدی امتداد بدهیم یا نه؟ آیا اصلاح‌طلبان می‌خواهند آلترناتیو مخصوص خودشان را داشته باشند یا نه می‌خواهند به‌اصطلاح همچون گذشته بر فرد خاصی تأکید داشته باشند. اینها گزینه‌های روبه‌رویی است که وجود دارند و ما باید به آنها فکر کنیم. اینکه آیا می‌خواهیم اجماع داشته باشیم؟ آیا می‌خواهیم به سبک گذشته اجماع داشته باشیم، آن‌هم با همان گروه‌هایی که در این دوره حضور داشتند یا نه؟ یا شاید می‌خواهیم به‌عنوان کاندیدا، فردی را معرفی کنیم. اینها بحث‌هایی است که وجود دارد. اینکه کدام گزینه ممکن و مطلوب‌تر است. امروز باید واقعا به صورت دقیق خارج از فضای احساسی‌ای که درحال‌حاضر خیلی‌ها را دربر گرفته، بیندیشیم و تصمیم‌گیری کنیم. از حالا تلاش کنیم که دوباره جریان کلی اصلاح‌طلبان را منسجم کرده و تلاش کنیم که مردم را در این مسیر فعال کنیم و به حرکت دربیاوریم تا بتوانیم اهداف خودمان را پوشش دهیم. این یک برنامه است که زمان می‌خواهد. بنابراین باید سریع از این حالت خارج شویم. به نظر من جریان اصلاح‌طلبی علاوه‌بر یک محاسبه نفس، نیازمند یک نوع آرایش و پیرایش است. چندبار ما باید شاهد این باشیم که برخی از اصلاح‌طلبان عشق‌قدرت، در آستانه انتخابات پیدا شوند. اینها با تمام توان می‌آیند که اهداف خودشان را پوشش دهند. رهبران ما در فضای اصلاح‌طلبی یک مقدار مراقبت کنند که در چنین آستانه‌هایی توسط چنین افرادی محاصره نشوند. کل جریان اصلاح‌طلبی باید تکلیف خود را با چنین افرادی مشخص کند. طوری نباشد که جریان اصلاح‌طلبی را به‌نفع خودشان جهت دهند و در فردای آن روز هم هیچ مسئولیتی را نپذیرند و یک‌دفعه هم پنهان شوند. ما باید ابتدا تشخیص دهیم که «یاران غار» و« خاران راه» ما چه کسانی هستند، هنوز نتوانسته‌ایم آنها را تشخیص دهیم. خاران راه برخی مواقع جای یاران غار را می‌گیرند.

خیلی فرصت نداریم. به نظر شما در این ماه‌های باقی‌مانده، چه‌کاری می‌شود انجام داد. آیا باید یک برنامه ضربتی داشته باشیم؟ درحالی‌که ممکن است در این برنامه ضربتی تحرکات پوپولیستی هم وجود داشته باشد تا شاید از این مسیر بتوانیم بدنه آسیب‌دیده را دوباره احیا کنیم. اصلا، ۹۶ سالی است که ما باید کارنامه ارائه دهیم. باید بگوییم براساس این برنامه مدعی هستیم که می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم. ما چه برنامه‌ای داریم؟ آیا واقعا می‌شود در این مدت‌زمان اندک، کار خاصی کرد؟

بله. هنر سیاست‌ورزی این است که بتوان در شرایطی که امکانات زمانی و مکانی و سایر امکانات مادی و غیرمادی اندک هستند، بهینه‌ترین تصمیم را گرفت و بهینه‌ترین تدبیر را به خرج داد. اگر همه شرایط فراهم باشند که دیگر آن طرف، سیاست‌مدار نمی‌شود. ما بالاخره کم‌کم واقعیت خودمان را در مجلس فهمیدیم. به‌هرحال فراکسیونی داریم. باید تلاش کنیم که این فراکسیون نمایش بسیار زیبا و کارآمدی از خود ارائه دهد. باید تلاش کنیم که دوستان ما در مجلس، به دور از حاشیه‌سازی‌ها، در چندماه آینده یک نمایش زیبا از خودشان ارائه دهند که قسمتی از راه‌حل مشکلات کنونی جامعه را پوشش دهد. یعنی مردم آنها را قسمتی از راه‌حل مشکلات خودشان بدانند، نه قسمتی از مشکل. باید (در این‌باره) تمهید کنیم و برنامه داشته باشیم که چگونه فراکسیون کارکرد (فانکشن) داشته باشد و چگونه هوشمند عمل کند. چگونه گام‌به‌گام باید پیش برود، چگونه باید با برنامه عمل کند. خب! این فضای مجازی هرچند اندک است، اما ما می‌توانیم نمایش بسیار خوبی (برای آن) داشته باشیم. این یک لایه مطلب است. اما لایه دیگر مطلب این است که ما فکر کنیم، در این فضا استراتژی و تاکتیک ما برای شوراها و ریاست‌جمهوری چیست. ما نباید اجازه دهیم دوستانی که اتفاقا در همین اجماع شریک هستند، از حالا بروند برای شوراها فهرست بسته ببندند. از حالا، همین دوستانی که بسیار مدعی این اجماع هستند و خودشان را پایبند به آن نشان می‌دهند، برای شورای شهر آتی بدون اینکه با دیگران مشورت و دیگران را سهیم کنند، فهرست بسته‌اند. بنابراین باید تاکتیک‌ها و استراتژی‌های خود را مشخص کنیم. اینکه بالاخره می‌خواهیم چه‌کار کنیم. آیا می‌خواهیم با گزینه فعلی سرمایه‌گذاری کنیم که اگر چنین است، شروط ما این‌بار چیست؟ آیا می‌خواهیم مثل بار قبل وارد شویم یا نه، این‌بار شروطی داریم یا خیر، اصلا می‌خواهیم گزینه دیگری را مطرح کنیم. در این صورت، آن فرد را چگونه می‌خواهیم چهره کنیم؟ چگونه می‌خواهیم، او را به چهره مقبولی بدل کنیم و در جامعه او را جا بیندازیم. برنامه ما برای این ماجرا چیست. همه برنامه‌ها را باید از همین الان تمهید کنیم؛ اینها در حال انجام است و من امیدوارم در اسرع‌وقت در زمینه‌های مختلف به نتیجه برسد و جریان کلی اصلاح‌طلبی راه خود و قواعد بازی را تشخیص بدهد. طوری که بتوان یک روحیه جمعی را دوباره ایجاد کرد. امیدوار هستم که در آینده هم شاهد اقبال مردم به این جریان باشیم.

در فضای رسانه‌ای تا به‌حال از قول اصلاح‌طلبان بر این موضوع تأکید شده که همچنان در سال ۹۶ هم از آقای روحانی حمایت خواهند کرد. حتی برخی از تحلیلگران معتقدند که انتخابات ۹۶ با همه این اتفاقات و آسیبی که بدنه اجتماعی از ماجراهای اخیر خورده است، به دلیل اینکه راه دیگری ندارد، مثل اینکه فقط یک ماشین برای عبور داشته باشد، مجددا آقای روحانی را انتخاب خواهد کرد، این چه اندازه به واقعیت نزدیک است؟ آیا درباره آلترناتیوهای آقای روحانی به‌طور جدی در جریان اصلاح‌طلبی بحث شده است یا نه؟

بله؛ می‌شنوم و می‌خوانم که برخی به نام نامی کلیت و تمامیت اصلاح‌طلبی از حالا تجویزهایی می‌کنند، من چنین صلاحیتی را نه برای خودم و نه برای دوستانی که از این موضع سخن می‌گویند، نمی‌بینم؛ باید ببینیم عقل جمعی در فضای اصلاح‌طلبی چه حکم می‌کند. در نهایت بالاخره نخبگان اصلاح‌طلبی کنار هم می‌نشینند به جمع‌بندی می‌رسند و آن جمع‌بندی را به‌عنوان اراده جریان اصلاح‌طلبی در آینده مطرح می‌کنند. می‌دانم در جریان اصلاح‌طلبی، خیلی‌ها هستند که به گزینه‌های دیگری می‌اندیشند و خیلی‌ها هستند که از شرایط کنونی عبور کرده‌اند؛ اما آیا تصمیم و تجویز آنها عقلایی است؟ من درباره هیچ‌کدام از اینها صحبت نمی‌کنم؛ زیرا استدلال‌های لازم را نه شنیده‌ام و نه ارائه کرده‌ام؛ اما باید در مواجهه عقول و استدلال‌ها، ما به استدلال برتر برسیم و در نهایت همه به قواعد آن تن بدهیم، هرچند برخی از ما از آن دل خوشی نداشته باشیم یا چندان نپسندیم؛ اما به‌هرحال به‌عنوان عقل جمعی باید پذیرای آن باشیم. هنوز آن اتفاق نیفتاده است؛ بنابراین اگر برخی از افراد جایی صحبت می‌کنند، من دوستانه از آنها می‌خواهم یا تأکید کنند که اظهار نظر شخصی می‌کنند، یا اینکه بالاخره به شکلی سخنان خودشان را توجیه کنند که بدنه اصلاح‌طلبی متوجه شود، اینها چنین اقتدار، مقبولیت و منزلتی دارند که به نام تمامی اصلاح‌طلبان سخن بگویند؛ بنابراین این فضا وجود دارد و ناظر به روزهای آتی است. ما به زمان احتیاج داریم تا درباره اینکه چه فضایی باید ایجاد شود و چه کسی باید کاندیدای اصلاح‌طلبان شود، تصمیم بگیریم و ببینیم ما می‌خواهیم با چه برگی بازی کنیم؛ این هنوز کاملا مشخص نشده است.

به علت فقدان آلترناتیو باز این شانس برای این آقایان وجود دارد که امتداد پیدا کنند، تأکید می‌کنم، به علت «فقدان آلترناتیو». تردیدی ندارم که اگر آلترناتیو مقبولی پیدا می‌شد، شانس را از آنها می‌گرفت. این شانس فعلا وجود دارد و به نظر نمی‌رسد در چند ماه آینده آلترناتیوخیلی جدی‌ای از طرف رقیب ارائه شود که بتواند هماوردی کند

فکر می‌کنید مردم هم در شرایطی هستند که بخواهند به گزینه دیگری فکر کنند؟ یا واقعا آن‌قدر شرایط بغرنج و سخت هست که فکر کنند راه عبور و گذر فقط از معبر آقای روحانی است. آیا اگر دوباره رهبران اصلاحات بخواهند وارد ماجرا شوند و دوباره مطالبی را تکرار کنند، باز مردم می‌توانند به این تکرار اعتماد داشته باشند؟ آن‌هم به این دلیل که ایشان یک بار اعتبار خودشان را هزینه کرده‌اند و آن اعتبار جواب داده است.

اینکه رهبران دوباره از اعتبار خودشان استفاده کنند، حداقل من آن را درخور تأمل می‌دانم؛ یعنی در شرایط کنونی اینکه به‌طور مشخص این حرکت را انجام دهد، صلاح نمی‌دانم و اینکه در آینده چه چیزی حادث شود، بعدا باید درباره آن صحبت کرد؛ اما بر اثر همین شرایطی که به‌لحاظ روحی، روانی و احساسی در جامعه ما در حال شکل‌گیری است، به نظر من، عمق و گستره مقبولیت برخی از بازیگرانی که اکنون بازیگر مسلط هستند، در حال کاسته‌شدن هستند. به نظر من مشکل این جریان، درونی است نه بیرونی، رقیب آنها در درون است نه بیرون. به‌هرحال در شرایط کنونی مردم انتظار یک نوع مدیریت جدی دارند و انتظار دارند برخی از مشکلاتشان در شرایط پسابرجام مرتفع شود، انتظار دارند دولت منسجم‌تر و کارآمدتر عمل کند. نیازمند این هستند که برخی از استان‌ها، مدیریت موفق‌تری داشته باشند، اینها همه انتظارات مردم است. مردم انتظار دارند در زندگی روزمره و اقتصادی آنها گشایشی رخ دهد؛ همیشه که نمی‌شود با شعار حکومت کرد، همیشه که نمی‌شود فرافکنی کرد. از طرف دیگر، مردم احتیاج دارند این دولت هوشیارانه عمل کند. چیزی که خودش «نافی» و «عدوی» آن بوده است، آن را بازتولید نکند و اجازه ندهد چیزی به نام «بحران فیش‌ها» در بدنه شکل بگیرد و بعد به‌صورت منفعل عمل کند. در اینجا به شما بگویم، این اولین کارت در زنجیره کارت‌هایی است که قرار است در آستانه انتخابات با آن بازی شود و با کارت‌های دیگری هم در آستانه انتخابات، بازی خواهند کرد. باید هوشیارانه و دقیق عمل شود و اجازه ندهند، بهانه‌ای دست کسی بیفتد. نه اینکه (به‌گونه‌ای عمل شود که) رقیب از این بهانه استفاده کند، به تمام اذهان جامعه لطمه وارد کند و بعد ما منفعلانه وارد ماجرا شویم که همین رفتار منفعلانه از جانب دیگری آسیب می‌زند. باید از قبل جلوی حادثه را گرفت. بنابراین، به نظرم می‌رسد، مسئله مهم این است که آیا در مقابل آلترناتیوی که درحال‌حاضر در جامعه ما وجود دارد، می‌تواند آلترناتیو دیگری مطرح باشد که حتی بتواند جا را تنگ کند. اینها همه به این ربط دارد که همین آلترناتیو مسلط، چه نقش و نقاشی در چند ماه آینده خواهد کشید. این به خودشان ربط دارد. باید توجه داشته باشند که خودشان می‌توانند، ناقض خودشان باشند. باید مقداری نگاه‌ها را از دور دست‌ها به درون ببرند. یک نوع محاسبه نفس، نقد به خود و درون نگری داشته باشند تا در چند ماه آینده بتوانند نقش کارآمدتری از خود ارائه کنند. در آن صورت به علت فقدان آلترناتیو باز این شانس برای این آقایان وجود دارد که امتداد پیدا کنند، تأکید می‌کنم، به علت «فقدان آلترناتیو». تردیدی ندارم که اگر آلترناتیو مقبولی پیدا می‌شد، شانس را از آنها می‌گرفت. این شانس فعلا وجود دارد و به نظر نمی‌رسد در چند ماه آینده آلترناتیو خیلی جدی از طرف رقیب ارائه شود که بتواند هماوردی کند. اینها باید قدر این شرایط، خود و شأن مردم را بدانند و تلاش کنند که اجازه ندهند، هر لحظه از این باغ بری برسد و ذهن مردم را هر لحظه تخریب کنند.

مردم تا کجا پایبندی خود را به این جریان اثبات و همراهی می‌کنند. آیا فکر می‌کنید اگر وضعیت به همین شکل ادامه پیدا کند، امکان این هست که جریان دیگری و نوع دیگری از پوپولیسم را شاهد باشیم، این خطر چقدر جدی است؟

همیشه بروز چنین وضعیت‌هایی را باید جدی بگیرند، زیرا زمانی که جدی گرفته می‌شود، برای آن تمهید و تدبیر اندیشیده می‌شود. تحقیقات میدانی شهرستان‌ها نشان می‌دهد امکان بازگشت نوعی از جریان پوپولیسم در کشور وجود دارد. امکان اینکه گروه‌هایی روی این فضا سرمایه‌گذاری کنند و دوباره شکوهمند بازگردند، وجود دارد؛ یعنی منتفی نیست، نمی‌توانیم آسوده بخسبیم که ان‌شاءالله اتفاق نمی‌افتد. اگر افتاد، چه؟!

بنابراین ما باید این وضعیت را جدی بگیریم و بدانیم که وقتی مردم از شرایطی خسته و ملول می‌شوند و در زندگی روزمره آنها تأثیر می‌گذارد، راه برون‌رفت را در فرد و شرایط دیگری جست‌وجو می‌کنند؛ هرچند آن فرد در بسیاری از وجوهش مقبول نبوده باشد؛ اما در اینکه توانسته ملموس‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای آنها را پوشش دهد، موفق‌تر عمل کرده است، حتما شیفت می‌کنند؛ کسی که با کس دیگر عقد اخوت نبسته و این تجربه چهار دهه گذشته ماست؛ بنابراین آقایان باید متوجه این موضوع باشند و این مسئله را جدی بگیرند، نه اینکه فرضشان این باشد که این تاج بر سر ما باقی خواهد ماند و کسی را یارای برداشتن آن نیست؛ چنین ساده‌لوح‌هایی در عرصه سیاست راهی ندارند و تاریخ، گورستان چنین ساده‌لوحانی است. این به اراده معطوف به آگاهی آقایان بستگی دارد که باید تلاش کنند بازی زیباتری را به نمایش بگذارند. این مطالب را از این جهت می‌گویم که با واقعیت‌های درون خود آشنا شویم و دچار پستوهای گفتمانی خودمان نشویم؛ یعنی در کنج دیوارها در تاریکی به سر نبریم تا زمانی که بیرون می‌آییم متوجه شویم شرایط تغییر کرده است. در جریان باشیم، در فضا حرکت کنیم و بکوشیم، ببینیم، بشنویم و از گذشته درس بگیریم.

نکته

محمدرضا تاجیک: مردم با هوشمندی تمام از روزنه‌ای که برای آنها گشوده شد، عبور کردند. در پس آن، دروازه‌ای را روبه‌روی ما گشودند و فرش قرمزی انداختند و گفتند: عبور کنید! ما در عبورکردن کم آوردیم

روزنه

رئیس قوه قضائیه:

رفع تحریم حیثی نداریم

● **میزان:** رئیس قوه قضائیه هدف برخی دولت‌های غربی از ترویج واژه تروریسم اسلامی را تلاش برای گسترش اسلام‌هراسی اعلام کرد و گفت: «اسلام رحمانی ارتباطی با تروریسم ندارد و تروریسم اسلامی زاییده افکار غربیانی است که خودشان داعش و گروه‌های تکفیری را ایجاد کرده‌اند». آیت‌الله آملی‌لاریجانی در جلسه دیروز مسئولان عالی قضائی گفت: «موضع اصولی و منطقی جمهوری اسلامی ایران محکوم‌کردن هر حرکتی برخلاف ثبات، امنیت و آرامش کشورهایی است که دولت‌های آنها منتخب مردم و براساس آرای آنان است و براساس‌این کودتای اخیر ترکیه نیز محکوم است». آملی‌لاریجانی افزود: «دولتمردان ترکیه باید به این نکته توجه کنند که احترام به آرای مردم مختص یک کشور نیست و تقابل دولت ترکیه با دولت قانونی و منتخب مردم در سوریه و کمک به تروریست‌ها خطای بزرگی بود که از سوی آن کشور انجام و در نهایت نیز به ضرر ترکیه و موجب تضعیف و ناآرامی در این کشور شد». او با ابراز تأسف از حادثه تروریستی نیس فرانسه و با تأکید بر اینکه تروریست خوب و بد وجود ندارد، افزود: «اقدام تروریستی اگر در فرانسه بد است، در جمهوری اسلامی ایران هم بد است؛ بااین‌حساب باید پرسید چگونه است که گروهک منافقین که بر حسب گزارش‌ها نزدیک به ۱۷ هزار فقره ترور در کشور ما انجام داده است، از سوی دولت فرانسه مورد لطف و پذیرایی قرار می‌گیرد». رئیس قوه قضائیه به سالگرد توافق برجام، اشاره کرد و با تأکید بر اینکه این توافق در مجموع به نفع ایران است، خواستار هوشیاری و دقت عمل مسئولان در قبال بدعهدی آمریکایی‌ها نسبت به این توافق شد و افزود: «برخلاف ادعای غربی‌ها رفع تحریم حیثی نداریم و این‌گونه نیست که اگر تحریم‌ها از حیث هسته‌ای برداشته شد، از حیث حقوق بشر باقی بماند. التزام به چنین چیزی عقلایی نیست». او تأکید کرد: «با گذشت زمان آمریکایی‌ها نشان دادند که در بدعهدی از هیچ چیزی فروگذار نمی‌کنند و ازاین‌جهت دیدیم که پیش‌بینی مقام معظم رهبری (مدظله) درست بود و ما شاهد بدعهدی آمریکایی‌ها در قبال توافق هسته‌ای هستیم». آیت‌الله آملی‌لاریجانی همچنین خواستار رعایت حد اعتدال و انصاف در نقد برجام شد و گفت: «مسئولان اجرائی و مسئولان وزارت امور خارجه باید آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها را ملزم به رعایت توافق برجام کنند».